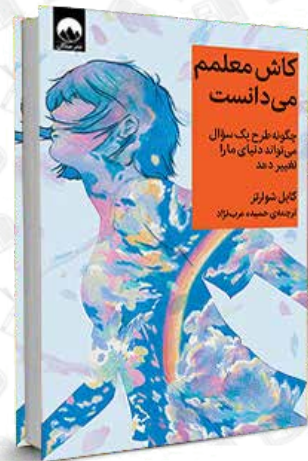


# کاش معلمم می‌دانست

■ الهام‌زینیا



نویسنده: کایل شوارتز

مترجم: حمیده عرب‌نژاد

ناشر: میلکان

کتاب کاش معلمم می‌دانست نوشته کایل شوارتز، معلم پایه سوم مدرسه‌ای ابتدایی، در ایالات متحده است. این کتاب حاصل سال‌ها تجربه نویسنده در کلاس درس و تعامل با دانش‌آموزانی با پیشینه‌های متنوع است؛ جایی که آموزش، چیزی فراتر از انتقال مفاهیم درسی است و به رشد انسانی و اخلاقی دانش‌آموزان نیز گره خورده است. ایده اصلی کتاب از فعالیتی ساده آغاز می‌شود؛ شوارتز از دانش‌آموزانش

می‌خواهد جمله‌ای را با این عبارت کامل کنند: «کاش معلمم می‌دانست...!» پاسخ‌هایی که دریافت می‌کند، از فقر و تهیایی گرفته تا اندوه فقدان، چشمان او را به دنیای ناپیدای زندگی کودکان باز می‌کند. این تجربه آغازگر مسیری تازه در نگاه او به تدریس می‌شود؛ نگاهی که «رابطه انسانی» را در مرکز یادگیری قرار می‌دهد.

او معتقد است برای اینکه دانش‌آموزان بتوانند بیاموزند، ابتدا باید احساس امنیت، ارزشمندی و درک شدن داشته باشند. همان‌طور که دکتر جیمز کومر می‌گوید: «یادگیری مؤثر بدون برقراری رابطه مؤثر ممکن نیست.»

نویسنده در این کتاب تأکید می‌کند که هدف آموزش، تنها ساختن شاگردانی ممتاز نیست؛ بلکه باید انسان‌هایی با وجدان، مسئول، همدل و مثبت‌اندیش تربیت کرد. مفهومی که وزارت آموزش و پرورش آمریکا از «پرورش شخصیت» ارائه می‌دهد، شامل آموزش عادت‌هایی فکری و رفتاری است که افراد را برای زیستن در نقش‌هایی مانند دوست، همسایه، شهروند و عضو خانواده آماده می‌کند. نویسنده در این کتاب بر پرورش شخصیت تأکید دارد و راهکارهایی برای آن ارائه می‌کند.

یکی دیگر از محورهای اصلی کتاب، مفهوم خودکارآمدی است. شوارتز معتقد است معلم نباید پیشرفت دانش‌آموزان را با یکدیگر مقایسه کند، بلکه باید هر دانش‌آموز را با خودش بسنجد. این نگاه رشد‌محور، به دانش‌آموز کمک می‌کند تا به جای رقابت با دیگران در مسیر رشد فردی گام بردارد. در همین راستا، او به نظریه «کارول دوک» درباره گفت‌وگوی درونی و تأثیر آن بر ذهنیت رشد اشاره می‌کند؛ اینکه معلم باید به دانش‌آموز بیاموزد چگونه با خودش حرف بزند

تا به جای ناامیدی، انگیزه و اراده درونی پیدا کند.

کتاب همچنین از تحقیقات آنجلا داکورث نیز بهره می‌برد و نشان می‌دهد که مهم‌ترین عامل موفقیت تحصیلی، نه بهره هوشی، بلکه پشتکار و سخت‌کوشی است. بنابراین، آموزش مهارت‌هایی مانند اراده، استمرار و ایستادگی باید بخشی جدی از آموزش در کلاس درس باشد، حتی از طریق فعالیت‌های ساده‌ای مثل خداحافظی روزانه با جملات انگیزشی یا بازتاب نکات مثبت کلاس.

هنگامی که دانش‌آموزان در مدرسه با مشکلی روبه‌رو می‌شوند، باید ریشه این مشکل را پیدا کنیم. اولین قدم برای انجام این کار بیشتر اوقات طرح سوالات صمیمانه است. کودکی را در نظر بگیرید که دیر به مدرسه می‌رسد. سلام و احوال‌پرسی با این کودک، آن هم با آس و انزجار و طعنه، باعث می‌شود کودک احساس کند مشکل از اوست.

در ادامه، نویسنده به اهمیت مشارکت فعال دانش‌آموزان در فرایند یادگیری می‌پردازد. ایجاد انگیزه، حس تعلق و نقش داشتن در یادگیری از عوامل کلیدی موفقیت تحصیلی‌اند؛ هرچند رسیدن به آن‌ها نیاز به تلاش و صبر دارد.

در نهایت، شوارتز بر به اشتراک‌گذاری تجربه‌ها و دیدگاه‌های معلمان با یکدیگر تأکید می‌کند. او باور دارد گفت‌وگو و تبادل نظر میان معلمان نه تنها موجب رشد حرفه‌ای آن‌ها می‌شود، بلکه فضای آموزشی را انسانی‌تر و کارآمدتر می‌سازد. کاش معلمم می‌دانست کتابی صمیمی، کاربردی و الهام‌بخش است، برای همه معلمان که به دنبال آموزش با قلب، ذهن و آگاهی‌اند. سه فصل پایانی کتاب نیز بسیار عمل‌گرایانه و الهام‌بخش است و مطالعه دقیق آن‌ها توصیه می‌شود. ■